

۷ کارنیل، بزرگترین شبکه موفقیت ایرانیان می باشد، که افرادی زیادی توانسته اند با آن به موفقیت برسند، فاطمه رتبه ۱۱ کنکور کارشناسی، محمد حسین رتبه ۶۸ کنکور کارشناسی، سپیده رتبه ۳ کنکور ارشد، مریم و همسرش راه اندازی تولیدی مانتو، امیر راه اندازی فروشگاه اینترنتی، کیوان پیوستن به تیم تراکتور سازی تبریز، میلاد پیوستن به تیم صبا، مهسا تحصیل در ایتالیا، و.... این موارد گوشه از افرادی بودند که با کارنیل به موفقیت رسیده اند، شما هم می توانید موفقیت خود را با کارنیل شروع کنید.

برای پیوستن به تیم کارنیلی های موفق روی لینک زیر کلیک کنید.

www.karnil.com

همچنین برای ورود به کانال تلگرام کارنیل روی لینک زیر کلیک کنید.

<https://telegram.me/karnil>

اشتباهات رایج در زبان انگلیسی

قسمت دوم



گردآوری و ترجمه

مژگان بهروزپور

Adverbs often confused

قیدهایی که در اغلب موارد باعث اشتباه می شوند

Very and Too

کلمه **Very** اثر صفت و قید را تقویت می کند. ولی کلمه **too** به دو معنی اشاره دارد: بیش از اندازه و نیز به معنی به قدری یا اینقدر.

(a) Very.

Don't say: It's too hot in Rome in the summer.

Say: It's very hot in Rome in the summer.

(b) Too.

Don't say: It's now very hot to play football.

Say: It's now too hot to play football

Very and Much

کلمه **much** بیشتر برای حالت نسبیت به کار میرود مثلا او از من قوی تر است. ولی کلمه **Very** برای حالت‌های مثبت صفت و قید و قبل از وجه وصفی یا کلمه (**ing**) دار به کار میرود.

(a) Very.

Don't say: He's a much strong man.

It's a much interesting book.

Say: He's a very strong man.

It's a very interesting book.

(b) Much.

Don't say: He's very stronger than I am.

Say: He's much stronger than I am.

Too much and Very much

کلمه **Very much** را برای تاکید بیشتر به کار می بریم. ولی کلمه **Too much** برای نشان دادن کمیت و درجه چیزی استفاده میکنیم. مثلا او بقدری گرسنه بود که احساس ناراحتی می کرد.

Don't say: She likes the cinema too much.

He's too much stronger than I am.

Say: She likes the cinema very much.

He's very much stronger than I am.

Before and Ago

کلمه Ago را زمانی بکار می بریم که بخواهیم فاصله زمانی را نشان دهیم که از لحظه صحبت کردن ما شروع می شود و به گذشته دور بر میگردد. ولی کلمه Before به فاصله زمانی نزدیک مثلا گذشته ای که زیاد دور نیست اشاره می کند.

Don't say: I saw your friend before two weeks.

Say: I saw your friend two weeks ago.

Hardly and Hard

کلمه Hard به معنی شدید و سخت است ولی کلمه Hardly به معنای بسختی و ندرتا می باشد.

Don't say: She rubbed her eyes hardly.

Say: She rubbed her eyes hard.

No so and Not very

کلمه No so برای حالت مقایسه ای بکار میرود. ولی کلمه Not very به معنی نه زیاد و نه خیلی است.

Don't say: I hear that he's not so rich.

Say: I hear that he's not very rich.

Just now and Presently

زمانی که در مورد کاری در آینده نزدیک و یا در مورد انجام فوری کاری صحبت می کنیم از کلمه Presently استفاده می کنیم. ولی از کلمه Just now برای زمان حال و یا گذشته استفاده می شود و نه آینده.

Don't say: The messenger will arrive just now.

Say: The messenger will arrive presently.

Presently and at present

کلمه at present به معنی حالا و الان است ولی کلمه Presently به معنی زود و بزودی است.

Don't say: His uncle is in London presently.

Say: His uncle is in London at present.

Scarcely for Rarely

کلمه Rarely به معنی ندرتا است ولی کلمه Scarcely به معنی نه کاملا است. مثلا وقتی او می آمد کارش را کاملا انجام نداده بود.

Don't say: Zoe scarcely comes to see me now.

Say: Zoe rarely comes to see me now.

Lately for Late

کلمه late به معنی دیر و متضاد زود است ولی کلمه lately به معنی همین اواخر است.

Don't say: Last night I went to bed lately.

Say: Last night I went to bed late.

Adjectives often confused

صفت‌هایی که در اغلب موارد باعث اشتباه می شوند

Many and Much

کلمه many با اسامی قابل شمارش همراه میشود ولی کلمه much با اسامی غیر قابل شمارش.

(a) Many.

Don't say: My brother hasn't much books.

Say: My brother hasn't many books.

(b) Much.

Don't say: Is there many dust in the.

Few and A Few

کلمه few به معنی نه خیلی زیاد بوده و تاکید بر تعداد کمتر می کند ولی a few بمعنای اقلا یا دست کم می باشد.

(a) Few.

**Don't say: Although the question was easy, a few boys
were able to answer it.**

**Say: Although the question was easy, few boys were
able to answer it.**

(b) A few.

**Don't say: Although the question was difficult, few
boys were able to answer it.**

**Say: Although the question was difficult, a few boys
were able to answer it.**

Few means not many and emphasizes

Little and A little

کلمه little به معنی نه خیلی زیاد بوده و تاکید بر تعداد کمتر می کند ولی a little بمعنای اقلا یا دست کم می باشد.

(a) Little.

**Don't say: He took a little exercise and wasn't
very fit.**

Say: He took little exercise and wasn't very fit.

(bj) A little.

Don't say: She took little exercise and felt much better.

Say: She took a little exercise and felt much better.

Each and Every

کلمه **each** به معنی یکی از دو تا و یا یکی از چند تا می باشد. کلمه **every** معنی بیشتر از دو تا بوده و حالت تاکید دارد.

(a) Each.

Don't say: She gave an apple to every of the children.

Say: She gave an apple to each of the children.

(b) Every.

Don't say: Each child had an apple.

Say: Every child had an apple.

His and Her

در انگلیسی صفات ملکی با فاعل و مالک تطبیق میکنند. اگر فاعل مونث باشد باید صفت ملکی هم به حالت مونث نوشته شود و برعکس.

(a) His.

Don't say: John visits her aunt every Sunday.

Say: John visits his aunt every Sunday.

(b) Her.

Don't say: Ann visits his uncle every Sunday

Say: Ann visits her uncle every Sunday.

Older (oldest) and Elder (eldest)

کلمه **older, older** هر دو هم برای افراد و هم برای اشیا به کار می‌رود ولی کلمه **elder, eldest** تنها برای افراد به کار می‌رود. و کلمه **older** با **than** به کار می‌رود ولی **elder** اینطور نمی‌باشد.

(a) Older, Oldest.

Don't say: This girl is elder than that one.

This girl is the eldest of all

Say: This girl is older than that one.

This girl is the oldest of all.

(b) Elder, Eldest.

Don't say: My older brother is called John.

My oldest brother is not here.

Say: My elder brother is called John.

My eldest brother is not here.

Interesting and Interested

وجه وصفی که با **ing** به کار رود حالت فاعلی داشته و نشاندهنده این است که آن شی و یا آنکس باعث و بانی تغییر است ولی وجه وصفی مفعولی **ed** دار به معنی شی و شخصی است که تغییر در آنها انجام شده است.

(a) Interesting.

Don't say: I've read an interested story.

Say: I've read an interesting story.

(b) Interested.

Don't say: Are you interesting in your work?

Say: Are you interested in your work?

Wounded and Injured or Hurt

اگر اشخاص در دعوا و حوادث زخمی شوند از **Injured or Hurt** استفاده می کنیم ولی اگر زخمی شدن در جنگ باشد از **Wounded** استفاده می کنیم.

Don't say: Jack was wounded in a car accident.

Say: Jack was injured in a car accident.

Farther and further

کلمه **Farther** بمعنی دورتر است. من کمی دورتر از شما زندگی میکنم. این کلمه برای مسافت و فاصله است. ولی **further** بمعنی بیشتر، دیگر، جلوتر و باز هم می باشد.

Don't say: Turn the page for farther instructions.

Say; Turn the page for further instructions.

A and An

از **A** قبل از اسامی که اولشان بی صدا باشد استفاده می شود ولی از **An** قبل از کلماتی که حروف صدا دار دارند استفاده میکنیم. در چند مورد استثنا داریم مثلاً برای کلمات **hour, honest** از **an** استفاده میشود. و یا در کلمات **European, union** از **a** استفاده می کنیم.

Don't say: A animal, a orange, a hour.

Say: An animal, an orange, an hour.

One and A

اگر در جمله ای بخواهیم به معنی یک کتاب اشاره و یا تاکید کنیم از **One** استفاده می کنیم یک کتاب نه دوتا. ولی اگر به معنی کتابی باشد از **A** استفاده میکنیم.

Don't say: Adam found one ring in the street.

Say: Adam found a ring in the street

Some and Any

از **Some** در مفهوم مثبت و از **Any** در مفهوم منفی استفاده میکنیم.

(a) Some.

Don't say: Louis has got any milk.

Say: Louis has got some milk.

(b) Any.

Don't say: There aren't some books on the

Less and Fewer

کلمه less به مقدار، کیفیت، ارزش و درجه اشاره می کند ولی fewer به اندازه. مثلا مقداری آب، کمی غذا ولی چند تایی کتاب چند تا مداد.

Don't say: They have less books than I have.

Say: They have fewer books than I have.

This and That

This به فاصله نزدیک و that به فاصله دور اشاره دارد.

Don't say: Look at this dog across the street!

Say: Look at that dog across the street!

Latter and Later

کلمه Later به معنی دیرتر است ولی Latter به معنی دومی، بعدی و دیگری می باشد. متضاد Latter کلمه former می باشد.

Don't say: She got to school latter than I did.

Say: She got to school later than I did.

Last and Latter

Latter به معنی دومین شخص یا دومین شی است ولی last به معنی بیش از دوتا در یک مجموعه یا سری می باشد.

Don't say: Sir Walter Scott and Charles Dickens are both excellent writers, but I prefer the last.

Say: Sir Walter Scott and Charles Dickens are both excellent writers, but I prefer the latter.

Last and Latest

کلمه Latest به معنی آخرین است ولی last آخری. مثلا آخرین خبر. و یا z حرف آخر الفباست.

Don't say: What's the last news from the Palace?

Say: What's the latest news from the Palace?

Small, Big and Young, Old

اگر به سن اشاره می کنیم از Young, Old و اگر به سایز و اندازه اشاره داریم از Small, Big استفاده می کنیم.

Don't say: I'm two years smaller than you.

She's three years bigger than me.

Say: I'm two years younger than you.

She's three years older than me.

High and Tall

از کلمه tall برای افراد استفاده میشود .او بلند قد است که متضادش هم short است. ولی برای ارتفاع و بلندی کوه ،ساختمان و درخت از high استفاده می کنیم که متضادش هم low می باشد.

Don't say: My elder brother is six feet high.

Say: My elder brother is six feet tall.

Beautiful and Handsome or Good-looking

برای نشان دادن زیبایی و قشنگی مردان از Handsome or Good-looking به معنی جذاب استفاده میکنیم ولی برای زنان از pretty , lovely , beautiful زیبا و دلربا... استفاده می کنیم.

Don't say: He's grown into a beautiful young man.

Say: He's grown into a handsome young man.

Sick and ill

از کلمه ill برای بیمار بودن و یا ناخوش بودن استفاده میشود ولی از sick برای حالت تهوع استفاده می کنیم. از sick برای نشان دادن حالت کنایه ای هم استفاده می کنیم مثلا این بو حالم رو بد می کنه.

Don't say: He's been sick for over a year.

Say: He's been ill for over a year.

Clear and Clean

کلمه clean به معنی تمییز یوده و متضاد dirty می باشد ولی کلمه clear به معنی واضح و شفاف و صاف و زلال بوده و متضاد dark می باشد. آب زلال و یا هوای صاف.

Don't say: You should keep your hands clear.

Say: You should keep your hands clean.

Angry and Sorry

کلمه Angry به معنی عصبانی بودن و رنجیدن است . ولی sorry به معنی ناراحت بودن و یا متاسف بودن است و متضاد glad است.

Don't say: i was angry to hear of her death.

S Say: I was sorry to hear of her death.

Nervous and Angry

کلمه Nervous به معنی ناآرام و عصبی بوده و با Angry عصبانی و خشمگین متفاوت است.

Don't say: Our teacher is very nervous today.

Say: Our teacher is very angry today.

Reference:

Book

Of

Common Mistakes in English

By

T.J. fitikides, B.A., f.i.l

کتابهای دیگری نیز از این مجموعه منتشر شده است:

- آموزش اسامی میوه ها و سبزیجات (فارسی-انگلیسی)
 - آموزش اسامی رنگها. اشکال. طرحها وخطوط (فارسی-انگلیسی)
 - آموزش اسامی پرندگان (فارسی-انگلیسی)
 - آموزش لغات مربوط به مراسم ازدواج (فارسی-انگلیسی)
 - ضرب المثل های انگلیسی با ترجمه
 - آموزش لغات مذهبی - اسلامی (فارسی-انگلیسی)
 - زندگی از دیدگاه مشاهیر (فارسی-انگلیسی)
 - اندیشه های هلن کلر (فارسی-انگلیسی)
 - جملاتی از آلبرت اینشتین (فارسی- انگلیسی)
 - چند معما با پاسخ (ترجمه)
 - آموزش اسامی حیوانات (فارسی-انگلیسی)
- مجموعه ای کامل از اسامی حیوانات اهلی و وحشی، پرندگان، حشرات، دوزیستان، خزندگان، موجودات دریایی
- اشتباهات رایج انگلیسی
قسمت اول
 - اصطلاحات تصویری انگلیسی
با ترجمه قسمت اول
 - خلاصه ای از جشنها و روزهای تعطیل در انگلستان
برای زبان آموزان انگلیسی



در کانال تلگرام کارنیل هر روز انگیزه خود را شارژ کنید 😊

<https://telegram.me/karnil>

